

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱۷

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۶

قیام امام مهدی علیه السلام در تفاسیر اهل سنت

مصطفی ورمزیار^۱

مرضیه ورمزیار^۲

چکیده

علمای اهل سنت، همانند شیعیان، مهدویت را یک باور اصیل اسلامی و برگرفته از روایات صحیح می‌دانند و مفسران آنان نیز با الفاظ صریح یا بیان روایات و تحلیل‌های ضمنی، اعتقاد خود را به این آموزه اعلام کرده‌اند؛ بررسی مطالب مربوط به قیام امام مهدی علیه السلام در تفاسیر ایشان، نیز وجود این باور را اثبات می‌کند گرچه این مطالب به دلیل عدم اعتقاد به ولادت و زنده بودن امام علیه السلام و در نتیجه کم‌رنگ بودن فرهنگ انتظار در اهل سنت کم‌شمار است، اما با این حال مطالبی در خصوص بشارت به قیام، انتظار مسلمانان و لزوم زمینه‌سازی برای قیام، توصیف قیام، زمان و یاران قیام و حوادث و رخدادهای هنگامه قیام، در تفاسیر ایشان یافت می‌گردد. تحقیق حاضر با روش گردآوری کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل داده‌ها، باورمندی قرآن پژوهان عامه را به مهدویت به عنوان عنصر مشترک بین مذاهب اسلامی، برجسته می‌نماید.

واژگان کلیدی

مهدویت، امام مهدی علیه السلام، تفسیر، مفسران اهل سنت، ظهور، قیام مهدوی،

یاران امام مهدی علیه السلام.

۱. کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن و عضو هیأت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) (نویسنده

مستول) (mova277@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

مقدمه

کتاب‌های تفسیر هر فرقه از مذاهب اسلامی، بیان‌گر گزیده‌ای از عقاید، احکام و اصول اخلاقی آنان است و بر همین اساس، منبع درخور توجهی برای شناخت معارف آن مذهب، به ویژه مسائل اعتقادی پیروان آن به شمار می‌رود.

مفسران اهل سنت نیز در ضمن بیان فهم خود از آیات قرآن، عقاید خویش را نیز تبیین کرده‌اند؛ و واکاوی تفاسیر آنان با رویکرد مهدوی، نقش مهمی در فهم عقاید آنان نسبت به این آموزه بالنده دارد.

ایشان هر جا سخن از خروج امام مهدی علیه السلام به میان آورده‌اند، لحن کلام‌شان آمیخته با نوید است و در برخی موارد، به این بشارت تصریح نموده‌اند؛ سیوطی روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که در آن، حضرت مردم را به قیام امام مهدی علیه السلام بشارت می‌دهد. (سیوطی، بی تا (الف): ج ۶، ۵۷) البته اصل روایت در مسند احمد و مجمع الزوائد موجود است (احمد بن حنبل، بی تا: ۳، ۳۷. هیثمی، ۱۴۰۸ ق: ج ۷، ۳۱۳)، ابن کثیر نیز قیام مهدوی را مورد بشارت احادیث می‌داند (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۴).

علاوه بر این بشارت‌های صریح، لحن سایر روایات نقل شده در تفاسیر نیز توأم با بشارت به آمدن منجی است. (طبری، ۱۴۱۵: ج ۳، ۲۰۳؛ سیوطی، بی تا (الف): ج ۲، ۳۶؛ ج ۶، ۵۸؛ میبدی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۳۲۵؛ ج ۲، ۱۳۷. فخر رازی، بی تا: ج ۲، ۲۸. نظام‌الدین، ۱۴۱۶ ق: ج ۱، ۱۴۴. ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۸۲؛ نسفی، ۱۳۶۷: ۱۵۶).

آشنایی با کلیدواژه‌ها

امام مهدی علیه السلام

«امام» در لغت کسی است که به او اقتدا می‌شود (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۵، ۱۸۶۵) و در کارها مقدم می‌گردد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۸)؛ در اصطلاح شیعه، امام به معنای وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و رهبر جامعه اسلامی بعد از ایشان است، اما این لفظ در فرهنگ اهل سنت به معنای پیشوا و صاحب نام استفاده می‌شود. به سران مذاهب و صاحبان کتب مهم حدیثی و تفسیری نیز امام می‌گویند. و شاید دلیل کاربرد این واژه در فرهنگ اهل سنت در مورد امام مهدی علیه السلام، روایت دوازده امام یا روایت امامت بر عیسی بن مریم علیه السلام در نماز جماعت است و مراد ایشان امامت در اصطلاح شیعه نیست.

«مهدی» در لغت، اسم مفعول از ریشه هدی به معنای هدایت شده، به کسی گفته می‌شود که خداوند او را به سوی حق هدایت کرده است (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۵، ۲۵۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۵، ۳۵۴). مهدی از القابی است که شیعه و اهل سنت درباره حضرت به کار می‌برند. مشهور شدن این لقب در بین اهل سنت به سبب روایات است (ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۷؛ سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۰؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۵۷).

قیام

«قیام» در لغت ایستادن (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۵، ۴۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۲، ۴۹۶؛ فیروزآبادی، بی تا: ج ۴، ۱۶۸؛ طریحی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۵۷۰)، حفظ (خلیل بن احمد، فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۵، ۲۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۲، ۴۹۷) و ثبات (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۲، ۴۹۷ و ۵۰۰) و تصمیم (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۵، ۴۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۲، ۴۹۷) است و در مورد خروج و ایستادن در برابر ظلم به صورت کنایی استفاده می‌گردد (طریحی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۵۷۱) و در روایات بسیاری در مورد آغاز حرکت مهدوی (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۳۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۵: ج ۳، ۳۰۳ و ۳۲۸؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ج ۱۵۷ و ۱۸۰) و یا استقرار حکومت آن حضرت (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۵ و ۳۹۷؛ ۱۳۶۷: ج ۳، ۴۹۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۵: ج ۶۷۵؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ج ۱۶۸ و ۲۴۳) به کار رفته است.

ظهور

ظهور در لغت، معانی متفاوتی دارد و چند معنای آن به بحث ما مرتبط است: تبیین و وضوح (فیروزآبادی، بی تا: ج ۲، ۸۲)، انکشاف و بروز (طریحی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۱۰۱)، اعلان و جهر (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۳۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۴۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۴، ۵۲۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۱۶۹ - ۱۷۰)، حدوث و وقوع (عسکری، ۱۴۱۲: ج ۳۴۳ - ۳۴۴)، دست یافتن به چیزی و اطلاع پیدا کردن از آن (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۴، ۵۲۶؛ طریحی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۱۰۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۱۷۰؛ علو، برتری (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۴، ۵۲۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۱۷۰)، غلبه (طریحی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۱۰۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۱۷۰) و قدرت (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۴۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۴، ۵۲۶).

معنای ظهور در اصطلاح مهدویت، از منظر شیعی با معنای آن از منظر اهل سنت متفاوت است و این تفاوت دیدگاه، به سبب اختلاف عقیده ایشان درباره تولد و غیبت

امام مهدی علیه السلام است.

در باور شیعه، نکته مهم در مسئله ظهور، مسبوق بودن به غیبت است و معنای ظهور از نظر شیعه، ظاهر شدن حضرت مهدی علیه السلام پس از پنهان زیستی طولانی برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است (سلیمیان، ۱۳۸۳: ۲۶۷). البته این معنا با معانی دیگر که غلبه و تسلط امام مهدی علیه السلام بر اوضاع جهان یا حدوث و وقوع انقلاب جهانی مهدوی است، قابل جمع است. اما ظهور در اصطلاح اهل سنت - با توجه به باور نداشتن آنان به تولد امام مهدی علیه السلام و نپذیرفتن مسئله غیبت - به معنای حدوث و وقوع انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام یا تسلط آن حضرت بر اوضاع جهان و غلبه دین اسلام بر سایر ادیان است (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲۶۰، و ۴۰۸: ج ۲، ۳۲۱؛ عزة دروزة، ۱۴۲۱: ج ۸، ۴۴۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۵۲؛ ج ۱۳، ۲۱۰؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۶، ۵۵۲؛ حقی بروسوی، بی تا: ج ۳، ۱۲۴؛ ج ۴، ۳۴۶؛ ج ۶، ۳۷۲) نه ظاهر شدن پس از غیبت.

در این پژوهش هر جا سخن از ظهور به میان می آید، مراد همان معنای مصطلح اهل سنت - یعنی شروع قیام امام مهدی علیه السلام و غلبه دین اسلام بر سایر ادیان - است.

تفسیر و کتب تفسیری

«تفسیر» در لغت از ریشه سفر یا فسر به معنای روشن شدن (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۸۱)، بیان و توضیح (خلیل بن احمد، فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۲۴۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۰۴)، جداسازی (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۳۴۹)، برداشتن حجاب و پرده (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۸۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۳۴۹)، کشف کردن معنای معقول (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ۳۴۹) و بیان معنای الفاظ مشکل (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۵، ۵۵) است. در اصطلاح نیز به معنای کشف و پرده برداری از ابهام کلمات و جمله های قرآن و نیز توضیح مقاصد و اهداف آن هاست. به عبارت دیگر مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۸). مراد ما از تفاسیر اهل سنت، تفاسیر ترتیبی آنان است؛ بنابراین، تفاسیر موضوعی، تفسیر تک سوره ای و کتاب های علوم قرآن آنان از مقصود این نوشتار خارج است.

اهل سنت

مراد از اهل سنت در این پژوهش، هر فرقه و مذهبی از مذاهب اسلامی است که خلفای اربعه

را به خلافت پذیرفته باشد و حضرت علی علیه السلام را خلیفه بلا فصل پیامبر نداند. بنابراین تعریف، خوارج و نواصب و همچنین فرقه‌های مختلف شیعی از دایره این تحقیق خارج‌اند. اگر چه تعاریف دیگری از اهل سنت شده است اما این تعریف به عنوان پیش فرض این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

مؤلفه‌های قیام مهدوی در تفاسیر اهل سنت

انتظار

دیدگاه اهل سنت بر اساس اعتقادشان نسبت به تولد و حیات امام مهدی علیه السلام نسبت به ظهور و انتظار با دیدگاه شیعه متفاوت است، اکثریت ایشان تولد و غیبت آن حضرت را قبول نکرده و می‌گویند امام مهدی علیه السلام در آخر الزمان متولد خواهد شد؛ وقتی چنین تفاوتی در دیدگاه و تفکر باشد، هرگز نمی‌توان باور شیعه در مورد ظهور و انتظار را از اهل سنت توقع داشت. امام شیعه، زنده و در غیبت است و شیعیان هر لحظه منتظر تمام شدن دوران غیبت و برطرف شدن موانع ظهور ایشان هستند؛ اما اهل سنت، مصداق خارجی زنده، برای امام مهدی علیه السلام نمی‌شناسند. طبیعی است که با این اعتقاد، انتظار در اندیشه اهل سنت، بسیار کم‌رنگ‌تر از انتظار در فرهنگ شیعه است؛ با این همه باز رگه‌هایی از اندیشه انتظار در تفاسیر اهل سنت به چشم می‌خورد.

محمد رشید رضا می‌گوید:

مسلمانان قبل از قیامت منتظر علائم و اشراف آن هستند و یکی از آن مقدمات، ظهور امام مهدی علیه السلام است. (رشیدرضا، ۱۹۹۰م: ج ۹، ۴۰۷-۴۰۸)

اگرچه این انتظار مربوط به قیامت است اما همین اندازه که منتظر ظهور، به عنوان یکی از اشراف الساعة باشند مغتنم است.

طه درة الحمصی نیز می‌گوید:

مسلمانان منتظر امام مهدی علیه السلام و عیسی علیه السلام هستند (طه الدرّة، ۱۴۱۰: ج ۱۲، ۵۹۱).

با توجه به دو عبارت فوق به نظر می‌رسد انتظار در اندیشه اهل سنت به معنی مطلع بودن از وقوع چیزی در آینده و علم به وقوع آن است به این معنی که برای ایشان غیر منتظره، یا دور از انتظار نیست. اما انتظار به معنی مترصد بودن و لحظه‌شماری کردن برای وقوع این انقلاب جهانی، در این فرهنگ، کم‌رنگ است؛ بنابراین، مفاهیم بلندی چون: امید به آینده، علاقه به تحقق ظهور، زمینه‌سازی برای ظهور که در فرهنگ شیعه از کلمه انتظار فهمیده می‌شود در

میان اهل سنت از اهمیت کمتری برخوردار است.

زمینه‌سازی

در بحث زمینه‌سازی آمدن امام مهدی علیه السلام و لزوم آن در بین شیعه بحث‌هایی مطرح است و در چند ساله اخیر اوج و رشد بیشتری پیدا کرده است؛ اما این مبحث در بین اهل سنت به طور جدی مطرح نشده است شاید به این دلیل باشد که:

الف) ایشان معتقد به مهدی زنده و حاضر نیستند و اعتقاد دارند شخصی به نام مهدی علیه السلام، از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرالزمان خواهد آمد و کار جهان را اصلاح خواهد کرد و با این پیش فرض، بحث زمینه‌سازی و فراهم کردن شرایط آن معنی ندارد، چگونه می‌توان ظهور مهدی‌ای که اطلاعی از به دنیا آمدنش نداریم را نزدیک‌تر نمود.

ب) ایشان شروع قیام امام مهدی علیه السلام را نزدیک و مقارن با قیامت، می‌دانند؛ و مطابق روایات‌شان مدتی بین هفت تا ده سال را برای حکومت امام مهدی علیه السلام، باور دارند. با وجود چنین تفکری، برای تحقق این ظهور، زمینه‌سازی و تلاش نخواهند کرد؛ در حالی که انتظار می‌رود وجود روایت نبوی صلی الله علیه و آله:

گروهی از مشرق خروج می‌کنند و زمینه سلطه و حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می‌آورند (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۱۳۶۸).

در منابع ایشان موجب گردد بحث زمینه‌سازی به صورت پررنگ‌تری دنبال شود، البته نمونه‌هایی هرچند اندک از بحث زمینه‌سازی در تفاسیر ایشان به چشم می‌خورد:

۱. روایت زمینه‌سازان مشرقی با متن بالا در تفاسیر اهل سنت نقل نشده است ولی تفسیر «الدرالمثور» روایت دیگری را با متن متفاوتی نقل کرده است که قومی از مشرق قیام می‌کنند و پرچم‌های سیاه همراه‌شان است، خیر را مطالبه می‌کنند و به ایشان داده نمی‌شود سپس می‌جنگند و پیروز می‌شوند و در این هنگام چیزی را که می‌خواستند به آنها داده می‌شود پس آن را قبول نمی‌کنند تا پرچم را به دست مردی از اهل بیت من بسپارند. (سیوطی، بی تا (الف): ج ۶، ۵۸)

این روایت از یک منظر به زمینه‌سازی مربوط نمی‌شود؛ زیرا تنها گزارشگریک اتفاق است که

۱. رک: بررسی روایات مدت حکومت امام زمان علیه السلام، مصطفی ورمزیار، فصل نامه علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی، سال دوم شماره ششم: ص ۲۳-۶۵.

در زمان قبل از ظهور رخ خواهد داد؛ اما از این نظر که کسانی آمده، پرچم و مبارزه‌ای خواهند داشت، خیر را مطالبه کرده به آنها داده نمی‌شود (در بعضی از متون به جای کلمه خیر، واژه حق دارد) بعد از این محرومیت از خیر (حق) به مبارزه ادامه می‌دهند و با تلاش و کوشش به مطلوب خود رسیده و پرچم فتح را به دست امام مهدی علیه السلام می‌سپارند؛ به زمینه‌سازی ربط پیدا می‌کند؛ زیرا از تقدّم این پیروزی بر ظهور و منتهی شدن آن به حکومت امام مهدی علیه السلام می‌توان برداشت کرد که این پرچم، مبارزه و پیروزی به قیام امام مهدی علیه السلام، نیرو می‌بخشد؛ زیرا پرچم در مبارزه، نماد قدرت و حیات لشکر است و نباید بر زمین بیفتد و دادن پرچم، کنایه از تحویل قدرت نظامی به امام مهدی علیه السلام و قبول حاکمیت ایشان و واگذاری تمامی امکانات است، از این رو این روایت یک گروه زمینه‌ساز را معرفی می‌کند و برای بحث زمینه‌سازی قابل استفاده است.

۲. در تفسیر «المنازل» در ضمن انکار مهدویت، می‌گوید:

اگر باور به امام مهدی علیه السلام عقیده درستی باشد لازم است باعث حرکت جامعه اسلامی و آمادگی ایشان بشود، باید یک نیروی قوی فراهم کنند تا به مهدی علیه السلام، جهت تشکیل حکومت کمک نماید، در حالی که این باور باعث سستی و تنبلی در جامعه اسلامی شده و مسلمانانی که با این باور زندگی می‌کنند، دست از فعالیت برای اصلاح و پیشرفت برداشته‌اند. (رشیدرضا، ۱۹۹۰م: ج ۹، ۴۱۶-۴۱۷)

از این کلمات می‌توان این چنین برداشت نمود که زمینه‌سازی قیام به نظر ایشان امری ضروری و لازم است و با فرض باور به مهدویت، باید برای تحقق زمینه‌های آن اقدام کرد.

توصیف قیام

در تفاسیر اهل سنت، درباره قیام امام مهدی علیه السلام، توصیف‌ها و تعبیرهای جالبی به کار برده شده است، برخی از آنها عبارتند از:

۱. زمان ختم نبوت و ظهور ولایت

۱۱۱

ابن عربی در تفسیر خود روز ظهور امام مهدی علیه السلام را زمان انتهاء نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سرآغاز دوران ولایت و امامت امام مهدی علیه السلام می‌داند. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۲۶۰) البته دیدگاه ایشان با نظر شیعه در بحث امامت، سازگار نیست؛ زیرا شیعه بر این باور است که امامت بلا فاصله بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آغاز شده و تا امام مهدی علیه السلام ادامه دارد.

۲. زمان خواری ظالمان

ابو حیان در تفسیر آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۱۱۴) آورده است خواری در دنیا برای ظالمان به این است که مهدی عجل الله فرجه وقتی خروج کند آنها را به قتل خواهد رسانید. (ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۵۲۹)

۳. قیامت کبری

در مواضع متعددی از تفسیر ابن عربی از ظهور امام مهدی عجل الله فرجه به عنوان قیامت کبری، يوم القيامة، يوم الجمع و الساعة، نام برده شده است. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۷۰ و ۲۷۰ و ۳۷۰ و ج ۲ ص ۱۲۰ و ص ۱۳۱-۱۳۲ و ۳۲۱) البته توجه به این نکته ضروری است که ابن عربی در این جا برای قیامت و ساعة مفهومی متفاوت از معنی عرفی آن در نظر گرفته است، ایشان معتقد است که در این دنیا نیز قیامت برپا است و قیامت را به لقاء الله و وصول به مرتبه فناء معنی نموده است و بر این باور است که این مقام چنانچه برای یک و یا چند نفر خاص مثل پیامبر ص و اولیاء حاصل شود، این قیامت صغری است؛ اما اگر این امکان برای همه افراد فراهم شود آن زمان، قیامت کبری محقق خواهد شد؛ به عقیده وی زمان حکومت امام مهدی عجل الله فرجه که زمینه رسیدن همه مردم به مقام لقاء الله و فناء فی الله فراهم می‌شود، شروع قیامت کبری است (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۳۷۰ و ۳۸۰).

وقت قیام

منابع تفسیری اهل سنت به مباحث مربوط به زمان خروج امام مهدی عجل الله فرجه نیز پرداخته‌اند که از سه منظر قابل بررسی است:

۱. توقیت و نهی از آن

توقیت در لغت به معنی قرار دادن وقت اختصاصی برای چیزی (ابن اثیر، ۱۳۶۴ ش: ج ۵، ۲۱۲) مشخص کردن وقت (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۷۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۲، ۱۰۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۳، ۵) و بیان کردن مقدار مدت (ابن اثیر، ۱۳۶۴ ش: ج ۵، ۲۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۲، ۱۰۸؛ طریحی، ۱۴۰۸: ج ۴، ۵۳۱) است و در اصطلاح مهدویت معنایی متفاوت از کاربرد لغوی نداشته و به معنی تعیین و بیان وقت خاص و یا دایره زمانی خاص برای آغاز قیام مهدوی است.

مراد از توقیت، در این تحقیق، معین کردن وقت خروج امام مهدی علیه السلام، است با هر عبارت و به هر نحو، خواه به صورت صریح و خواه با الفاظ و تعبیری که آن را در بازه زمانی خاصی محدود کند؛ اما گفتن زمان مبهم یا رمزی مانند آن چه در روایت عدد حروف بسم الله آمده که می گوید: وقتی عدد حروف بسم الله الرحمن الرحیم کامل شد زمان تولد^۱ مهدی علیه السلام است (حقی برسوی، بی تا: ج ۶، ۱۴۸). یا کلام ابن عربی در ادوار هفت گانه زمین و این که مهدی علیه السلام در دور هفتم ظهور می کند (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲۶۰) یا صحبت از علائم و این که ظهور امام مهدی علیه السلام با فلان علامت چه مقدار فاصله دارد، (حقی برسوی، بی تا: ج ۳، ۱۲۴؛ ج ۴، ۳۴۶؛ ج ۶، ۳۷۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۳، ۲۱۰) و یا این که در فلان روز هفته (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۳۲۱) و یا فلان ماه، ظهور اتفاق می افتد، اینها هیچ کدام مصداق توقیت نیستند. (البته با نگاه دقیق تر به توقیت، می توان موارد ذکر شده را هم نوعی توقیت دانست و توقیت را به صریح، رمزی و مبهم تقسیم کرد)

در تفاسیر اهل سنت در مورد نهی از توقیت اظهار نظری نشده است، تنها ابن عربی در دو جا از تفسیر خود با نقل روایت نبوی " کذب الوقاتون " (نعمانی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۳۰۱) این روایت تنها در منابع شیعه و با استناد به ائمه علیهم السلام موجود است) به این نهی اشاره می کند و می گوید:

غیر از خداوند کسی زمان ظهور را نمی داند و پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی را برای ظهور معین نفرمودند و کسانی را که برای ظهور، وقت مشخص می کنند تکذیب می نمایند (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲۷۰).

شاید اهمیت دادن ابن عربی به این نهی و کم توجهی سایر مفسران به این خاطر باشد که وی ظهور را قیامت کبری می داند^۲ و طبق صریح قرآن علم به زمان قیامت مختص خداوند است. (اعراف: ۱۸۷؛ احزاب: ۶۳) و شاید هم به دلیل اعتقاد ایشان به تولد و زنده بودن امام باشد.

نمونه هایی از توقیت

۱۱۳ الف) تفاسیر المنار و روح المعانی از سیوطی نقل کرده اند که ایشان وقت خاصی را برای ظهور

۱. بنا بر اعتقاد اهل سنت به تولد و رشد امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان؛ معین کردن زمان تولد یعنی تعیین محدوده زمانی خاص برای ظهور.

۲. رک: همین مقاله، توصیف قیام / قیامت کبری.

مشخص کرده و گفته: فاصله ظهور دین اسلام تا قیامت ۱۵۰۰ سال است و ظهور امام مهدی علیه السلام هم قبل از سال ۱۳۰۰ رخ خواهد داد؛ با این بیان که دجال ابتدای سده ظاهر شده، حضرت عیسی علیه السلام که همزمان با مهدی علیه السلام خواهد آمد او را خواهد کشت و بعد به مدت چهل سال زندگی می‌کند؛ سپس طلوع خورشید از مغرب اتفاق می‌افتد و مردم بعد از این واقعه صد و بیست سال زندگی می‌کنند؛ بعد از آن نفخ صور اول اتفاق می‌افتد و با فاصله چهل سال با نفخه دوم، قیامت برپا می‌شود. با جمع این اعداد (۴۰+۱۲۰+۴۰=۲۰۰) و لحاظ این که خروج دجال در راس سده است و مدتی باقی می‌ماند آن گاه به دست حضرت مسیح علیه السلام کشته می‌شود، سال ظهور قبل از شروع سال ۱۳۰۰ خواهد شد. (سیوطی، بی تا (ب): ج ۲، ۱۰۴)

آوسی و رشید رضا بعد از نقل این توقیت از سیوطی در مقابل آن موضع‌گیری کرده و گفته‌اند تاکنون این وعده سیوطی محقق نشده است و در سالی که وی مشخص کرده بود ظهور اتفاق نیفتاد و تمام اوهام بنا شده به دست او منهدم شد (آوسی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۱۲۵؛ ج ۲۶، ۵۴؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰م: ج ۹، ۳۹۳-۳۹۴). و عدم تحقق وعده، در زمان معین شده، دلیل واضحی بر کذب ادعای سیوطی است.

(ب) حقی بروسوی از سیوطی نقل کرده است که مهدی در سال ۱۲۰۰ و یا سال ۱۲۰۴ قیام خواهد کرد (حقی بروسوی، بی تا: ج ۳، ۱۲۴) ولی چنین متنی در کتاب‌های سیوطی یافت نشد، فقط در کتاب «الحاوی للفتاوی» از محمد بن حنفیه عبارات مأتین (سیوطی، بی تا (ب): ج ۲، ۱۰۰ و ۱۱۰) و اربع و مأتین (همان: ج ۲، ۱۱۰) را نقل کرده است که سال ۲۰۰ و ۲۰۴ را برای ظهور معین کرده، نه سال‌های (۱۲۰۰ و ۱۲۰۴) آن گونه که حقی ادعا کرده است.

(ج) با وجود خرده‌گیری بر سیوطی، خود حقی در دو قسمت از تفسیرش (حقی بروسوی، بی تا: ج ۸، ۲۸۵-۲۸۶؛ ج ۹، ۲۶۲) همین تاریخ را برای ظهور مشخص می‌کند و این یک عبارت صریح در توقیت است.

از مجموع مطالب به دست آمده از تفاسیر اهل سنت، در موضوع توقیت، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که نهی از توقیت در جامعه شیعی به خاطر وجود روایات ناهیه با جدیت بیشتری نسبت به اهل سنت مطرح شده است و حساسیت بیشتری برای مقابله با آن وجود دارد اما در منابع حدیثی اهل سنت از آن نهی نشده است و تنها ایرادی هم که بر سیوطی گرفته می‌شود این است که وعده او خلاف واقع است و محقق نشده است. البته در تفسیر «المنار» گفته‌های

وی را اوهام نامیده است (رشیدرضا، ۱۹۹۰م: ج ۹، ۳۹۳-۳۹۴).

۲. قیام قبل از خروج امام مهدی علیه السلام و نهی از استعجال

استعجال در لغت به معنی عجله و شتاب بی مورد برای کاری که هنوز زمانش فرا نرسیده است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۴، ۱۷۵؛ ج ۵، ۲۷۸؛ ج ۷، ۲۳۵؛ ج ۸، ۲۹۱؛ ج ۱۱، ۴۲۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴ش: ج ۴، ۱۰۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۶، ۲۵۵؛ ج ۷، ۵۸۳).

در روایات شیعه، از حرکت مسلحانه قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام، شتاب زده عمل کردن و خود و دیگران را در معرض هلاک قرار دادن، نهی شده است (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۶۸؛ ابن بابویه، ۱۴۰۵ق: ۳۷۸)، ابی حیان در «البحر المحیط» نقل می کند:

بعد از اعتراض زید به برادرش (امام) باقر علیه السلام نسبت به عدم قیام، ایشان زید را این گونه نصیحت کرد که برای امر ما وقتی است که از آن زمان تجاوز نخواهد کرد، هرکدام از اهل بیت قبل از قیام مهدی علیه السلام حرکت مسلحانه کند، مثل پرنده ای است که قبل از پر در آوردن از لانه خارج شود این کار باعث سقوط او شده و ملعبه دست بچه ها خواهد شد، بعد حضرت با علم غیب از آینده خبر می دهند و به زید می فرمایند: مواظب خودت باش تا فردا در کناسه کوفه به دار آویخته نشوی؛ اما زید به کلام (امام) باقر علیه السلام اهمیت نداد و همان بلا بر سرش آمد (ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۵۴۹).

از جهت عقلی نیز شتاب زدگی در هیچ کاری پسندیده نیست، به ویژه در آن جا که خطر هلاک و انحراف وجود دارد. بحث مهدویت به خاطر حساسیتی که دارد استعجال در آن باعث انحراف عقیدتی، ناامیدی و در بعضی موارد نابودی به دست حاکمان وقت خواهد شد. در منابع اهل سنت، نهی از استعجال به چشم نمی خورد و از مفسران ایشان نیز تنها ابن عربی به این نهی توجه کرده است؛ وی در تفسیر آیه «أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (نحل: ۱) می گوید: ظهور کامل امر خداوند با وجود مهدی علیه السلام، محقق می شود و هنوز زمان آن فرا نرسیده است، ایشان «امر الله» را به ظهور تفسیر کرده و می گوید: آیه فرموده عجله نکنید و از شتاب زدگی بپرهیزید؛ (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۳۸۰).

البته زمان آغاز این قیام با علائمی قابل تشخیص است که به عنوان علائم ظهور در منابع آمده و در مقاله دیگری به آن پرداخته شده است.^۱

۱. رک: علائم ظهور از دیدگاه مفسران عامه / مصطفی ورمزیار، سیدمسعود پورسیدآقایی، فصل نامه علمی-ترویجی پژوهش های مهدوی، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۹۴.

یاران قیام

۱. چه کسانی هستند؟

اگر چه در منابع روایی شیعه تعداد یاران امام مهدی علیه السلام، اسامی و ملیت ایشان بیان شده؛ اما در تفاسیر اهل سنت چنین اطلاعاتی ثبت نشده است و تنها به ذکر بعضی از موارد به مناسبت بسنده شده است:

الف) عیسی بن مریم علیه السلام

از اصلی‌ترین یاران در زمان بعد از ظهور امام مهدی علیه السلام که کمک‌های زیادی به قیام مهدوی می‌کند حضرت عیسی علیه السلام است (سور آبادی، ۱۳۸۰ش: ج ۱، ۲۸۸ و ۵۰۴؛ ج ۳، ۱۷۹۱؛ ج ۴، ۲۲۳۵؛ حقی بروسوی، بی تا: ج ۳، ۴۱۶)، خدمات ایشان به دولت امام مهدی علیه السلام که در عنوان کلی نصرت و تأیید جای می‌گیرد، در مقاله علائم ظهور بررسی شده است.^۱

ب) اصحاب کهف

در تفاسیر اهل سنت، روایاتی با این مضمون نقل شده است اصحاب کهف در شمار یاری دهندگان به مهدی موعود علیه السلام هستند (سیوطی، بی تا: ج ۴، ۲۱۵؛ حقی بروسوی، بی تا: ج ۱، ۲۱۷؛ ج ۵، ۳۸۱؛ ج ۹، ۱۱۷).

ج) روحانیت حضرت علی علیه السلام

حقی نقل می‌کند که روحانیت (روح)^۲ علی علیه السلام، از وزراء مهدی موعود علیه السلام است و در ضمن این گفتگو اشاره‌ای به رجعت روح کرده، آن را ممکن می‌داند (حقی بروسوی، بی تا: ج ۷، ۳۹۱). وی در جای دیگر می‌گوید:

اصحاب کهف و دو نفر از کامل‌ترین این امت همراه او خواهند بود (همو: ج ۹، ۱۱۷).

که به قرینه کلام پیشین وی می‌توان گفت یکی از این دو نفر حضرت علی علیه السلام است.

۲. خصوصیات ملیتی و اخلاقی

شاکله اصلی سپاه امام مهدی علیه السلام از امت اسلامی است (سور آبادی، ۱۳۸۰ش: ج ۳،

۱. رک: علائم ظهور از دیدگاه مفسران عامه / مصطفی ورمزیار، سیدمسعود پورسیدآقایی، فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۹۴.

۲. به نظر می‌رسد منظور حقی بازگشت حضرت علی علیه السلام به دنیا و یا همان رجعت مورد نظر شیعه است، اما چون

نمی‌تواند از اعتقاد اهل سنت به عدم رجعت تخطی کند، تعبیر به «روحانیت علی» می‌کند.

ص ۱۷۹۲-۱۷۹۱ و سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۵، ص ۳۱۹۹. و ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۶، ص ۷۴). نیز از مطالب نقل شده در تفاسیر اهل سنت، بعضی از خصوصیات اخلاقی ایشان قابل استفاده است:

الف) اهل راستی و راستگویی هستند

تعبیر به «کُلُّ اهل الصدق من مقدمات المهدی» (حقی بروسوی، بی تا: ج ۹، ۲۶۳) گویای این نکته است که جمع شدن اهل صدق، درستی و راستی، در کنار هم اندکی قبل یا هنگام آغاز قیام مهدوی رخ خواهد داد و پرواضح است که افرادی با چنین ویژگی‌هایی لایق حضور در سپاه امام مهدی علیه السلام خواهند بود.

ب) مجاهد و خستگی ناپذیرند

تعبیر به «ظاهرين على الحق» و «لا يضرهم من خذلهم ولا من خالفهم» در روایت نبوی (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۶، ۷۴؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۵، ۳۱۹۹). بیان گر این نکته است که ایشان در دفاع از حق خسته نخواهند شد و به عوامل بیرونی بهایی نخواهند داد.

وقایع قیام

۱. وقایع اعجازگونه در هنگام قیام

الف) برگرداندن زیور آلات بیت المقدس

امام مهدی علیه السلام، بعد از رسیدن به بیت المقدس جواهرات گم شده یهود را که در بیت المقدس نگهداری می شده به عنوان نشانه حقانیت خود آشکار می کند. تعبیر به اعجازگونه برای این است که این گنجینه در طول تاریخ یهود مفقود بوده و ایشان بسیار مایل به پیدا شدن آن هستند و همان طور که ظاهر کردن تابوت بنی اسرائیل نشانه حقانیت طالوت بود و قرآن کریم به این مهم اشاره کرده است (بقره: ۲۴۷-۲۴۸) از واژه «بها يجمع الله الاولين و الآخريين» (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۱۰، ۲۲۲-۲۲۳؛ طبری، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ۲۲۳-۲۲۲؛ ج ۱۵، ۱۷-۱۸؛ سیوطی، بی تا: ج ۴، ۱۶۵؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۳، ۱۱۳؛ نووی الجاوی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۶۱۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۷۰؛ طه الدرة، ۱۴۱۰: ج ۸، جزء ۱۵-۱۶، ۲۰) نیز برداشت می شود که هویدا کردن این گنجینه نیز نوعی اعجاز قلمداد شده و تأثیر زیادی در گرایش یهود به امام مهدی علیه السلام خواهد داشت.

در مورد خصوصیات این گنجینه نیز گفته شده محموله هزار و هفتصد سفینه است که بر صد و هفتاد هزار گوساله بار خواهد شد (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۱۰، ۲۲۲-۲۲۳؛ طبری، ۱۴۱۵:

ج ۱۱، ۲۲۳-۲۲۲؛ طه الدرّة، ۱۴۱۰: ج ۸، جزء ۱۵-۱۶، ۲۰؛ ج ۱۵، ۱۷-۱۸؛ سیوطی، بی‌تا؛ ج ۴، ۱۶۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۷۰؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۳، ۱۱۳؛ نووی الجاوی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۶۱۸) که اگر سفینه همان معنای ظاهری و به معنی کشتی باشد از جهت اندازه و ارزش مادی، غیرقابل تصور است. اگرچه در مورد سند این حدیث اشکالاتی مطرح است و برخی آن را جعلی می‌دانند (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۳، ۲۷-۲۸)، اما با این حال منابع تفسیری اهل سنت به آن توجه کرده‌اند.

ب) سلام بر اصحاب کهف

یکی از اتفاقات اعجازگونه که در زمان ظهور واقع می‌شود، سلام امام مهدی علیه السلام بر اصحاب کهف و زنده شدن ایشان به واسطه این سلام حضرت است (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۱۰، ۳۸۹-۳۹۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۱۵۷؛ اسفراینی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۳۰۷؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۵، ۲۳۲) همین اندازه که زنده شوند و جواب سلام امام را بدهند برای اثبات حقانیت امام مهدی علیه السلام کافی است؛ برخی منابع نقش ایشان در قیام مهدوی را به همین اندازه ترسیم می‌کنند (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۱۰، ۳۸۹-۳۹۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۶، ۱۵۷؛ اسفراینی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۳۰۷؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۵، ۲۳۲)، اما در منابع دیگر بیان شده که ایشان به یاری حضرتش می‌پردازند و در پست وزارت به حکومت مهدوی خدمت می‌کنند (سیوطی، بی‌تا: ج ۴، ۲۱۵؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۱، ۲۱۷؛ ج ۵، ۲۶۹ و ۳۸۱؛ ج ۹، ۱۱۷).

ج) زنده شدن بعضی افراد

در قسمت یاران امام مهدی علیه السلام توضیح داده شد که اصحاب کهف، حضرت علی علیه السلام و عده‌ای دیگر به دنیا برمی‌گردند و امام مهدی علیه السلام را یاری خواهند داد. این زنده شدن چون خلاف متعارف است در زمره وقایع اعجازگونه قلمداد می‌شود.

۲. جنگ‌ها و پیروزی‌ها (فتوحات)

امام مهدی علیه السلام بعد از خروج، با مخالفت صاحبان قدرت و مستکبران مواجه خواهند شد و برخورد نظامی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بر این اساس جنگ‌های متعددی با کفار و مخالفان دارند که مهم‌ترین آنها نبرد با دجال و سفیانی است و در پی این نبردها حکومت جهانی حضرت، شکل خواهد گرفت و عدالت موعود محقق خواهد شد. به برخی از این پیروزی‌ها در منابع تفسیری اهل سنت اشاره شده است مانند فتح عموریّه،

رومیة (ابن عادل، بی تا: ج ۱، ۳۵۸)، و قسطنطنیة (طبری، ۱۴۱۵: ج ۱، ۶۹۹؛ سیوطی، بی تا: ج ۱، ۱۰۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲۶۱؛ شوکانی، بی تا: ج ۱، ۱۳۲؛ قنوجی بخاری، ۱۴۲۰: ج ۱، ۱۸۳؛ ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۵۲۹؛ ابن عادل، بی تا: ج ۱، ۳۵۸؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۳۲۵-۳۲۶؛ ابن ابی حاتم، بی تا: ج ۱، ۲۱۱؛ ج ۴، ۱۱۳۳؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰م: ج ۹، ۴۰۱). و اشاره به این موارد خاص حاکی از اهمیت آن ها است.

۳. ظهور و اعتلای دین اسلام بر سایر ادیان

برخی از مفسران اهل سنت در ضمن تفسیر آیات اظهار دین (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹) و... بیان کرده اند که در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام این ظهور و سیطره محقق خواهد شد، در زمین هیچ مشرکی باقی نخواهد ماند و همگی دین اسلام را می پذیرند (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۸، ۱۲۱؛ ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۵، ۳۴؛ فخر رازی، بی تا: ج ۱۶، ۴۰؛ سوراآبادی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۵۰۴؛ نظام الدین، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۴۵۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۳۵۲؛ ج ۵، ۳۴-۳۵؛ خطیب شربینی، بی تا: ج ۱، ۴۷۹؛ قماش، بی تا: ج ۲۵، ۱۹۶؛ ج ۲۶، ۲۶۲؛ ابن عادل، بی تا: ج ۱، ۲۶۱). این اعتلای دین اسلام نابودی و یا در اقلیت قرار گرفتن و خواری ظالمان و کفار را در پی دارد که در ضمن تفسیر آیه *﴿لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾* (بقره: ۱۱۴) و آیه *﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلَدِّ نَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَأَعْلَمَهُمْ بِرِجْعِهِمْ﴾* (سجده: ۲۱) به آن اشاره شد که خزی و خواری دنیوی کفار و ظالمان (طبری، ۱۴۱۵: ج ۱، ۶۹۹؛ ابن ابی حاتم، بی تا: ج ۱، ۲۱۱؛ ج ۴، ۱۱۳۳؛ سیوطی، بی تا: ج ۱، ۱۰۸؛ ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۵۲۹؛ ابن عادل، بی تا: ج ۱، ۳۲۵-۳۲۶؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۳۲۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲۶۱؛ شوکانی، بی تا: ج ۱، ۱۳۲؛ قنوجی بخاری، ۱۴۲۰: ج ۱، ۱۸۳) و عذاب اکبر (ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۲: ج ۷، ۱۹۸؛ عزبن عبدالسلام، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۵۵۳؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۲۱۴؛ سمعانی، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ۲۵۲؛ ماوردی، بی تا: ج ۴، ۳۶۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۱، ۱۳۲) آنها در زمان حکومت مهدوی محقق خواهد شد و مؤمن و کافر از هم جدا می شوند (ابن عربی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۳۹).

نتیجه گیری

بعد از بررسی مطالب مربوط به قیام مهدوی در تفاسیر اهل سنت نتایج زیر به دست می آید:

۱. مفسران اهل سنت نیز همانند دیگر علمای ایشان به آموزه مهدویت اعتقاد دارند، در بیشتر تفاسیر ایشان این موضوع با مباحث پیرامونی به تفصیل آمده است. در بعضی از تفاسیر

ایشان مطالب ارزشمندی یافت می‌شود.

۲. براساس تفاوت دیدگاه شیعه با اهل سنت در خصوص تولّد و غیبت امام مهدی علیه السلام ظهور نیز معنای متفاوتی دارد و معنی ظهور (قیام و خروج) امام مهدی علیه السلام آشکار شدن ایشان بعد از تولّد و رشد است و در تفاسیر اهل سنت مطالبی در خصوص انتظار و زمینه‌سازی ظهور به چشم می‌خورد.

۳. اگرچه بنا بر اعتقاد اهل سنت، ظهور امام مهدی علیه السلام بسیار نزدیک به قیامت اتفاق می‌افتد؛ اما ظهور غیر از قیامت است و با آن تفاوت ماهوی دارد.

۴. هم‌چنین از توجه مفسران عامه به وقایع پس از ظهور مانند: برگرداندن زیور آلات بیت المقدّس، سلام بر اصحاب کهف، زنده شدن بعضی افراد، جنگ‌ها و پیروزی‌ها (فتوحات) و ظهور و اعتلای دین اسلام بر سایر ادیان می‌توان نتیجه گرفت که این آموزه مورد قبول و توجه ایشان است.

منابع

قرآن كريم

- أלוسى بغدادى، شهاب الدين محمود، *روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم وسبع المثانى*، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- ابن ابى حاتم، عبد الرحمن بن محمد بن ادريس رازى، *تفسير القرآن العظيم*، تحقيق: اسعد محمد طيب، صيدا، المكتبة العصرية، بى تا.
- ابن اثير، *النهاية فى غريب الحديث*، تحقيق: طاهر أحمد الزاوى ومحمود محمد الطناحى، قم، إسماعيليان، چهارم، ١٣٦٤ش.
- ابن بابويه القمى، أبى جعفر محمد بن على بن الحسين (شيخ صدوق)، *كمال الدين وتمام النعمة*، تصحيح و تعليق: على أكبر الغفارى، قم، جامعه مدرسين، اول، ١٤٠٥ق.
- ابن عادل، ابو حفص سراج الدين عمر بن على، *تفسير اللباب*، بيروت، دارالكتب العلمية، بى تا.
- ابن عربى، محيى الدين ابوبكر محمد بن عبد الله، *تفسير منسوب به ابن عربى*، تصحيح: عبد الوارث محمد على، بيروت، دارالكتب العلمية، اول، ١٤٢٢ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زكريا، *معجم مقاييس اللغة*، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، بى جا، مكتبة الإعلام الإسلامى، ١٤٠٤ق.
- ابن كثير، ابو الفداء اسماعيل، *تفسير القرآن العظيم*، تحقيق: يوسف عبد الرحمن مرعشلى، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢ق.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد القزوينى، *السنن*، تحقيق وترقيم وتعليق: محمد فؤاد عبد الباقي، بى جا، دارالفكر، بى تا.
- ابن منظور، محمد بن المكرم، *لسان العرب*، قم، نشر أدب حوزة، ١٤٠٥ق.
- أبو حيان، محمد بن على بن يوسف أندلسى، *البحر المحيط (تفسير كبير)*، تحقيق: عادل عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلمية، اول، ١٤٢٢ق.
- أبو هلال عسكرى، *معجم الفروق اللغوية الحاوى لكتاب أبى هلال العسكرى وجزءا من كتاب السيد نورالدين الجزائرى*، تنظيم: بيت الله بيات، قم، جامعه مدرسين، اول، ١٤١٢ق.
- احمد بن حنبل، *مسند احمد*، بيروت، دارصادر، بى تا.

- اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم*، تحقیق: نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۷۵ ش.
- بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل فی التفسیر*، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، بیروت، داراحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۰ ق.
- ثعلبی، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، تحقیق: ابن عاشور، بیروت، داراحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۲ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق: أحمد عبد الغفور العطار، بیروت، دارالعلم للملایین، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- حقی بروسوی، اسماعیل، *روح البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- خطیب شربینی، شمس الدین، محمد بن أحمد الشافعی، *السراج المنیر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- خلیل بن احمد، فراهیدی، *کتاب العین*، تحقیق دکتر مخزومی و دکتر سامرائی، قم، دارالهجرة، دوم، ۱۴۱۰ ق.
- رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا، *تفسیر القرآن الکریم (المنار)*، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م.
- زبیدی، مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق علی شبری، بیروت، دارالفکر، اول، ۱۴۱۴ ق.
- سلیمیان، خدامراد، *فرهنگ نامه مهدویت*، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، اول، ۱۳۸۳ ش.
- سمعانی، ابوالمظفر منصور بن محمد، *تفسیر القرآن*، تحقیق: یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس، عربستان، دارالوطن، اول، ۱۴۱۸ ق.
- سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، *تفسیر سور آبادی*، تحقیق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو، اول، ۱۳۸۰ ش.
- سیوطی، جلال الدین، عبد الرحمن بن ابی بکر بن محمد، *الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دارالفکر، بی تا (الف).
- _____، *الحوای للفتاوی*، بی جا، بی نا، بی تا (ب).
- سید قطب، سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارشروق،

- هفدهم، ۱۴۱۲ق .
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدير الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير، بی جا، عالم الكتاب، بی تا.
- طبرى، ابى جعفر محمد بن جرير، جامع البيان عن تأويل آى القرآن، تقديم: خليل الميسى، تخريج: صدقى جميل العطار، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۵ق .
- طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تحقيق: سيداحمد حسيني، ايران، مكتب النشر الثقافة الإسلامية، دؤم، ۱۴۰۸ق .
- طه الدرّة، محمدعلى الحمصى، تفسير القرآن الكريم واعرابه وبيانه، بيروت، دارالحكمة، اول، ۱۴۱۰ق .
- عزبن عبدالسلام السلمى الدمشقى الشافعى، تفسير القرآن (تفسير عزبن عبدالسلام) وهو اختصار لتفسير الماوردى، تحقيق: دكتور عبدالله بن ابراهيم الوهيبى، بيروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق .
- عزة دروزة، محمد، التفسير الحديث، بيروت، دار الغرب الاسلامى، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق .
- فخر رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب (تفسير كبير)، بيروت، دارالكتب العلمية، اول، ۱۴۲۱ق .
- قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تصحيح: احمد عبد العليم البردونى، بيروت، دار احياء التراث العربى، دوم، ۱۴۰۵ق .
- قماش، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالحميد، جامع لطائف التفسير، بی جا، بی نا، بی تا.
- قنوجى بخارى، ابى الطيب صديق بن حسن (صديق حسن خان)، فتح البيان فى مقاصد آى القرآن، بيروت، دارالكتب العلمية، اول، ۱۴۲۰ق .
- كلينى، أبى جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الرازى، الكافى، تصحيح و تعليق: على أكبر الغفارى، تهران، دارالكتب الإسلامية، پنجم، ۱۳۶۳ش .
- ماوردى، ابو الحسن على بن محمد، تفسير النكت والعيون، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، بی تا.
- مظهرى، محمد ثناء الله، تفسير المظهرى، تحقيق: غلام نبى تونسى، پاکستان، مكتبة رشدية، ۱۴۱۲ق .
- ميبدى، رشيدالدين ابو الفضل احمد بن ابى سعد، كشف الاسرار و عدة الابرار، تحقيق: على اصغر

- حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر، پنجم، ۱۳۷۱ ش.
- نسفی، ابوحفص نجم‌الدین محمد عبدالله ابن احمد، تفسیر نسفی، تهران، انتشارات سروش، سوم، ۱۳۶۷ ش.
- نظام‌الدین، حسن بن محمد بن حسین القمی النیشابوری، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۶ ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب النعیمة*، تحقیق: فارس حسون، قم، أنوار الهدی، اول، ۱۴۲۲ ق.
- نووی الجاوی، محمد بن عمر، *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، تحقیق محمد امین الصناوی، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۷ ق.
- ورمزیار مصطفی، پورسید آقایی سید مسعود، علایم ظهور از دیدگاه مفسران عامه / فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۹۴.
- هیثمی، حافظ نورالدین علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، تحریر: العراقی و ابن حجر، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.